

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

داکتر عباس آزادیان



مهاجرت و پناهندگی

به ادامه گذشته

فصل چهارم: برخورد کشور میزبان با مهاجران

ولی- بهانه نگیرم-

اینجا نیز

غریبه نیستم

دیگر؛

و با نگاه و دلم آشناست فراخنای این سپیده و

سبزی این سکوت

اسماعیل خویی- سازگار شدن

نحوه برخورد دولت و مردم کشور میزبان و فضایی که در انتظار مهاجر است نقش اساسی در مثبت یا منفی بودن تجربه مهاجرت دارد.

شکی نیست که نحوه برخورد کشور میزبان تا حدی بستگی به وضعیت خود مهاجر دارد. دوستی که در کار خرید و فروش املاک در شهر تورنتو است میگفت که یکی از مشتریانش ۳ ماه بعد از ورود به کانادا در پی خرید خانه ای بود ۶-۷ میلیون دلاری بود و اکثر پول خانه را هم به صورت نقد در اختیار داشت. مسلماً تجربه مهاجرت این فرد و برخورد کشور میزبان با او با تجربه کسی که با جیب خالی و احتمالاً از طریق کمکهای سازمانهای دولتی و غیر دولتی وارد کشور جدید شده اند متفاوت خواهد بود.

یکی از افراد موفق جامعه ایرانی در تورنتو تعریف میکرد که هنگام ورود به کانادا ۱۰۰ دلار در جیبش بود. او میگفت پول سفرش را دولت کانادا به صورت قرض به او داده بود و باید ماهانه آنرا به دولت پس میداد. فضایی که این مهاجر و مهاجر فوق الذکر در مقابل خود خواهند داشت طبیعتاً متفاوت است ولی شباهتهایی هم به هم دارد.

مسئله مهم این است که مهاجر به چه فضایی وارد میشود و چه استقبالی از او به عمل می آید؟ آیا مورد سوءظن قرار میگیرد؟ و یا با آغوش باز مورد استقبال قرار میگیرد؟ جواب این سوالها بستگی دارد به کشوری که فرد مهاجر به آن وارد میشود.

در آمریکا از دیگی صحبت میشود که همه در آن مخلوط میشوند و در نهایت یکی میشوند.^۱ به نظر میرسد که نظر غالب در آمریکا این باشد که مهاجر بهتر است راهها و روشهای قدیمی و فرهنگ و زبان خود را کنار بگذارد و فرهنگ جدید و از نظر آنها فرهنگ غالب و برتر آمریکایی را بپذیرد. بعضی از نویسندگان در مورد "پروژه آمریکا" و یا "آرزوی آمریکایی" صحبت کرده اند. این پروژه عبارتست از جذب میلیونها مهاجر که در طی زمان بدل میشوند به آمریکاییهای مورد اعتماد و وفادار به کشور.

طبق این نظریه و این نوع برخورد پروژه مهاجرت طراحی شده تا مهاجران همانند و همگون ساکنان قدیمی آمریکا بشوند و تفاوتهای فرهنگی واقعی و عمیق از بین برود. حتی اگر بعضی تفاوتها را قدر میگذارند این ارزش دادنها در چهارچوبهای سطحی میباشد و بس. اگر مهاجر در مقابل این پدیده مقاومت کند احساس خطر شدت میگیرد و اضطراب اجتماعی بالا میرود. اجازه بدهید به چند مورد از این برخوردها اشاره کنیم.

نیویورک تایمز در نظرخواهی در ۱۹۹۳ نشان داد که ۵۰٪ شرکت کنندگان در آن نظرخواهی بر این باورند که مهاجران شغلای آنها را از دست آنها خواهند آورد.

روت کافی^۲ رییس سازمان "مهاجرت را هم اکنون متوقف کنید"^۳ میگوید: "من قصد دارم در مقابل حمله صلح آمیز لاتینها، آسیاییها، سیاهها و عربها یا هر گروه دیگری که ادعای تصاحب کشور من را دارد بایستم."

^۱ Melting Pot

^۲ Ruth Coffey

در این نوع برخوردها از احساس ترس و نگرانی مردم در مورد مسائل اقتصادی و یا سیاسی استفاده میکنند و ترس از خارجیها و یا اجنبیهایی که زندگی طبیعی مردم را به خطر می اندازند را مطرح میکند تا با گسترش نگرانی و وحشت در مردم به اهداف خود برسند. این نوع تفکر و برخورد، ریشه هایی عمیق و تاریخی دارند.

به طور مثال ریتا سیمون تاریخ نگار آمریکایی که به مطالعه نظر خواهیهای عمومی در مورد برخورد با مهاجرت و مهاجران پرداخته نشان داده است که نظر مردم در این گونه همه پرسوها همیشه نگاهی منفی بوده است.

در مجلات و نشریات و نوشته های فراوانی رد پای این تفکر ضد مهاجر را میتوان به روشنی دید. من به دو نمونه دیگر اکتفا میکنم:

در سال ۱۹۲۰ در مجله ای بسیار پرفروش^۳ آمده بود که آنها (مهاجران) با کوله پشتی بر دوش و دست کودکان در دست، در حال بیشتر شدن هستند. آنها آلوده اند و زبان و روحیاتی بیگانه دارند. این روزنامه میگوید که مهاجران با تأثیرات نژادی می آیند که نه میتوان با آتش آنها را از بین برد و نه میتوان امکان گسترش به آنها داد. آنها مانند گله های پیر، بر ما غلبه خواهند کرد مگر اینکه با معجزه ای انسانی ما بتوانیم بر آنها پیش دستی کرده و پیروز شویم.^۴

شکی نیست که گروههای زیر ضربه این باورهای نژاد پرستی با زمان تغییر میکنند. زمانی سیاهها، سپس چینیها و ژاپنیها و سپس مکزیکها مورد حمله و اتهام قرار داشتند و اکنون عربها و ایرانیها و غیره زیر ضرب قرار دارند. یکی از این مقالات روزنامه فوق الذکر نویسنده مینویسد: آمریکا آشغال دانی شده است که زواید انسانی جهان که در کشورهای خود نمیتوانستند درآمدی داشته باشند را در خود جای میدهد.

در سال ۱۹۹۴ رای دهندگان کالیفرنیا به طور قاطع از پیشنهاد شماره ۱۸۷ پشتیبانی کردند. در این پیشنهاد از جمله آمده است:

"مردم کالیفرنیا... از دست مهاجرین غیر قانونی ضربه های اقتصادی زیادی خورده اند و میخورند... در نتیجه مردم کالیفرنیا قصد دارند که ... علیه استفاده این مهاجران غیر قانونی از امکانات دولتی مجهز شوند."

در سال ۱۹۹۳ داندل هادل^۵ ادعا کرد که مهاجران قانونی و غیر قانونی (برای دولت آمریکا) ۵۰ میلیارد دلار هزینه سالانه ایجاد میکند. به ادعای او این مقدار بعد از در نظر گرفتن مالیاتی است که این افراد میپردازند.

باید توجه کرد که برخوردهای منفی فوق الذکر منحصر به آمریکا نیست و در کشورهای اروپایی مانند فرانسه و آلمان و سایر کشورها هم به خوبی دیده میشود. به نظر میرسد که ریشه چنین برخوردی در کشورهای صنعتی مبتنی بر دریافتیهای غلطی از این قبیل است که:

۱- تعداد مهاجران بسیار زیاد میباشد،

³ Stop Immigration Now (SIW)

⁴ North America Review

⁵ Simon Ritaj 1985

⁶ Donald Huddle

۲- مهاجران تهدیدی برای سلامت اقتصادی جامعه به شمار می آیند،

۳- مهاجران به مشکل جنایت می افزایند و

۴- مهاجران تأثیری مخرب بر چهارچوب کلی جامعه میگذارند.

حاصل این برخوردها بسیار دردناک میتواند باشد. شاید خودکشی یک جوان ایرانی ۲۶ ساله در یکی از زندانهای فرانسه در اوایل ماه مه ۲۰۰۶ در این چهارچوب قابل درک باشد. این جوان که به جرم سوداگری مهاجرین غیر قانونی به حبس طولانی، اخراج از فرانسه و منع ورود به این کشور محکوم شده بود در زندان دست به خودکشی میزند.

قبلاً به قوانین مهاجرت ۱۹۹۹ انگلستان و محدودیتهای حاصل از آن اشاره کردم. در فرانسه در سال ۲۰۰۳ بود با وضع قوانین "سارکوزی" (که وزیر امنیت داخلی فرانسه بود) امکان اقامت و پناهندگی را بسیار محدود کرده بود. این قوانین آسیب پذیری پناهندگان را بسیار بیشتر کرده است. ظاهراً حتی صلیب سرخ هم امکان پناه دادن به این مهاجران به اصطلاح غیر قانونی را ندارد و در نتیجه امکانات زیستی این افراد در سرمای زیر صفر و یا گرمای شدید ناچیز است و جانیشان در خطر میباشد. قوانین فوق الذکر بر اساس تفکری است که مهاجران را مسبب مشکلات اجتماعی و اقتصادی فرانسه میداند.

در دسامبر ۲۰۰۵ علیه دو وزیر دولت هلند شکایتی طرح شد. در این شکایت آمده است که این دو وزیر با عملکردهای غیر انسانی خود باعث آزار و اذیت مهاجرانی شده اند که به مدت نامعلوم در زندان حبس شده بودند. در این شکایت آمده است که این دو وزیر به طور مستقیم در مرگ ۱۱ نفر در زندان و در ایجاد زخمهای عمیق روحی و جسمی بازماندگان این فاجعه مقصر هستند.

نمیتوان در مورد مهاجرت و برخورد کشورهای مهاجر پذیر صحبت کرد و از ایران صحبت نکرد. ایران بیشترین تعداد مهاجر در دنیا را در خود جا داده است. اما متأسفانه برخورد دولت و حتی مردم در ایران با پناهندگان افغان در موارد متعددی نادرست و تبعیض آمیز بوده است. اگر برخوردهای مشابه در کشورهای غربی با ایرانیان صورت بگیرد مسلماً اعتراضات فراوانی را ایجاد خواهد کرد. بسیاری از افغانها علیرغم سالها اقامت در ایران نمیتوانند حتی بچه های خود را به مدرسه بفرستند و یا اجازه قانونی کار به دست بیاورند.

عموماً این سیاستها و عواقب آن با نگرانی و مشکلات اقتصادی و به خصوص نرخ بیکاری در جامعه در ارتباط است. به نظر میرسد که عملیات ضد انسانی ۱۱ سپتامبر این بدبینی دو طرفه بین مهاجران و کشورهای میزبان را دو چندان کرده است.

البته نوع دیگری از برخورد در کشورهای غربی هم وجود دارد و آن برخورد انسانی با مسائل و مشکلات مهاجران، درک شرایط دشوار مهاجران در کشورهای خودشان و پذیرش آنها با آغوش باز میباشد. اما این برخوردها ممکن است مورد پشتیبانی دولتها قرار نگیرد. مثلاً در سال ۲۰۰۶ دولت محافظه کار کانادا برخورد خشنی را با مهاجران غیر قانونی پرتغالی شروع کرد. این مهاجران بیشتر کارهای دشوار ساختمانی را به عهده میگیرند و درآمد نسبتاً خوبی هم

دارند. معمولاً بعد از چند سال کار و جمع آوری پول عده ای به کشور خود برمیگردند و عده ای دیگر به جای آنها در کانادا مقیم میشوند.

روزنامه تورنتو استار که پرفروشترین روزنامه کانادا است با تیراژ روزانه ای حدود ۵۰۰ هزار در روز در مقالات متعدد به نقد سیاست دولت پرداخت. در نقدی به سیستم دولت در ۲۲ آوریل سال ۲۰۰۶ در این روزنامه به طور مکرر به جنبه های مثبت حضور این کارگران در کشور تأکید شد. مقاله اشاره دارد به این واقعیت که علیرغم این نقش مثبت، سیستم اداری و قانونی کشور شرایط ناهنجاری برای این مهاجران فراهم کرده است.

جامعه کانادا از چند فرهنگی بودن صحبت میکند؛ از جامعه ای که از کنار هم قرار گرفتن تکه ها و موزائیکهای مختلف تشکیل شده است. این جامعه در مجموع چند فرهنگی را تشویق میکند و با آغوش باز به استقبال چند صدایی میرود. اما علی رغم این گرایش، جریانهایی در کشور فعالند که در مطبوعات و در چهارچوب گروههای سیاسی در مقاطع دشوار مهاجران را مورد سؤال قرار میدهند و با شک و تردید با آنها برخورد میکنند. ولی در مجموع مهاجران تجربه ای مثبت از برخورد جامعه میزبان با خود دارند. این تجربه به خصوص در سه شهر مهم و پر جمعیت کانادا مشخص تر است.

در مسأله ای که در رابطه با مهاجران پرتغالی به کانادا مطرح شد، در یک مورد مأموران پلیس به مدرسه ای رفتند که دو نوجوان دانش آموز را حبس کنند تا از طریق آنها مخفیگاه والدینشان را بیابند و آنها را اخراج کنند. تظاهرات اعتراضی سازمان داده شد و مقامات مدرسه از دولت و پلیس به شکل رسمی شکایت کرده اند. جنبش متری "هیچ کس غیر قانونی نیست" در شهر تورنتو در حال ریشه دواندن است.

سیاستهای ضد مهاجر دولتی و یا عمومی میتواند عواقب متعددی داشته باشد:

۱- سیاستهای عملی و قانونی دولت میتواند امکانهای موجود برای پناهندگان و مهاجران، به خصوص مهاجران غیر قانونی را بسیار دشوار کند.

۲- در نتیجه این تبلیغات و این سیاستها مهاجران جدید ممکن است با شک و سوءظن عمیق مورد استقبال قرار گیرند.

۳- در نتیجه این تبلیغات تأثیرات مثبت و مؤثر مهاجران در این کشورها نادیده گرفته میشود.

۴- حاصل این تبلیغات و سیاستها عمیقتر کردن احساس غریبگی مهاجران میباشد. این امر جا افتادگی مهاجر را به عقب می اندازد و یا غیر ممکن میکند و مشکلات اقتصادی و اجتماعی او را بیشتر میکند.

۵- این تجارب منفی اقتصادی- اجتماعی و روحی- روانی مهاجران در بطن جامعه به شکل عام و در میان مهاجران به طور خاص تأثیرات منفی عمیقی باقی میگذارد.

۶- در نهایت کل جامعه از عواقب این ناهنجاریهای اقتصادی- اجتماعی- روحی در امان نخواهد بود و در مقاطع خاص بهای سنگینی برای این سیاستهای مهاجر ستیز خواهد پرداخت. تظاهرات و درگیریهای اکتبر- نوامبر در شهرهای متعدد

فرانسه که به سوختن بیشتر از ۹۰۰۰ وسیله نقلیه و دستگیری حدود ۳۰۰۰ نفر منجر شد نمونه ای از تأثیرات نامطلوب چنین سیاستهای ضد مهاجر و نژاد پرستانه است. این برخوردها در نهایت به ضرر مهاجران و کشورهای مهاجر پذیر میباشد و احساس بی اعتمادی و شک را عمیق تر میکند. برخوردهای ضد مهاجر باعث گسترش روحیه نژادپرستی در این جوامع میشود.

حضور فعال و گسترده نیروهای عقلانی جامعه، فعالیت منطقی مهاجران و هماهنگی فعالان این جوامع در طی زمان میتواند باعث تقویت نیروهای بشود که در چهارچوبهای محدود ملی گرایانه و نژادپرستانه به مشکل مهاجرت و پیامدهای آن نمینگرند. حضور فعال و مثبت مهاجران نقش اساسی در تغییر این شیوه های فکری نامعقول خواهد داشت.